

A Comparative Analysis of the Social Concept of "Goodness" in the Interpretations of the Two Sects with Emphasis on the Quranic Prayer "Our Lord, Grant Us Goodness in this World"*

Malihe Alsadat Seyyedreza Dulabi**

Abstract

The concept of *ḥasanah* is one of the Qur'an's fundamental and multidimensional notions. It plays a pivotal role in shaping the religious perspective on both worldly life and the Hereafter, particularly in the Qur'anic supplication "Rabbana ātinā fī al-dunyā ḥasanah" (Our Lord, grant us good in this world). This study conducts a comparative analysis of exegetical interpretations of this term by examining five selected commentaries from both Islamic traditions, encompassing rational, *ijtihādī*, narrative, literary, and transmitted approaches. The novelty of this research lies in its use of a systematic comparative framework for analyzing *ḥasanah*, with special emphasis on the view of Allāmah Ṭabāṭabā'ī, who interprets it as the manifestation of divine pleasure (*riḍwān* Allāh). This interpretation establishes a cognitive linkage between the worldly and eschatological dimensions of the concept. Furthermore, by elucidating the social implications of *ḥasanah*, the study demonstrates that a profound understanding of this term within Qur'anic discourse can enhance social ethics, strengthen collective hope, and redefine religious responsibility in individual and communal interactions. The findings indicate that exegetes' approaches to the meaning of *ḥasanah* are significantly connected to their epistemological foundations and interpretive methodologies, with each approach highlighting a distinct layer of the term's semantic potential.

Keywords: Comparative analysis, Divine pleasure, *Hasanah*, Faithful lifestyle, Social implications of the Quran

* Received: 2025-09-03 Revised: 2025-12-10 Accepted: 2025-01-03

** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Allameh Askari International University, Tehran, Iran. (The Corresponding Author) Email: seyedreza@aaiu.ac.ir



تحلیل تطبیقی مفهوم اجتماعی «حَسَنَه» در تفاسیر فریقین با تأکید بر دعای قرآنی «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»*

ملیحه السادات سیدرضا دولابی**

چکیده

مفهوم «حَسَنَه» یکی از مفاهیم بنیادین و چندساحتی در قرآن کریم است که در دعای قرآنی «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» نقشی محوری در شکل‌دهی به نگرش دینی نسبت به دنیا و آخرت ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی برداشت‌های تفسیری از این واژه، به بررسی پنج تفسیر منتخب فریقین با رویکردهای گوناگون - شامل عقلی، اجتهادی، روایی، ادبی و نقلی - می‌پردازد. نوآوری پژوهش در بهره‌گیری از یک چهارچوب تطبیقی نظام‌مند در تحلیل واژه «حَسَنَه» و تمرکز ویژه بر دیدگاه علامه طباطبایی است که این واژه را تجلی «رضوان الهی» می‌داند؛ در این برداشت پیوندی معرفتی میان ابعاد دنیوی و اخروی این مفهوم برقرار می‌سازد. افزون‌بر این، پژوهش با تبیین دلالت‌های اجتماعی «حَسَنَه» نشان می‌دهد که فهم عمیق این واژه در گفتمان قرآنی می‌تواند به ارتقاء اخلاق اجتماعی، تقویت امید جمعی و بازتعریف مسئولیت‌پذیری دینی در تعاملات فردی و اجتماعی منجر شود. یافته‌ها حاکی از آن است که رویکرد مفسران در تبیین معنای «حَسَنَه» به صورت معناداری با مبانی معرفت‌شناختی و روش تفسیر آنان ارتباط دارد و هر رویکرد، لایه‌های متفاوت از ظرفیت معنایی این واژه را برجسته می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حَسَنَه، رضوان الهی، سبک زندگی مؤمنانه، دلالت‌های اجتماعی قرآن، تحلیل تطبیقی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳
** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل: seyedreza@aui.ac.ir



۱. مقدمه و بیان مسأله

اسلام دینی جامع‌نگر است که به ابعاد دنیوی و اخروی زندگی انسان توأمان توجه دارد و دنیا را مقدمه‌ای برای کسب سعادت اخروی می‌داند. این نگرش در آموزه‌های قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) به روشنی بازتاب یافته است؛ چنان‌که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (کلینی، ۱۳۸۷ ش: ۷۲/۵). بدین‌روی، یکی از آموزه‌های بنیادین در رسالت انبیای الهی، تأکید بر وحدت و پیوستگی زندگی دنیوی و اخروی است. این پیوند نه تنها یک اصل اعتقادی، بلکه یک چهارچوب تربیتی و تمدنی است که انسان را از دوگانگی در زیست دینی رها می‌کند. انبیاء با ارائه الگوهایی از زندگی متوازن، نشان دادند که دنیا مزرعه آخرت است و رفتارهای دنیوی، بازتابی مستقیم در سرنوشت اخروی دارند. در این چهارچوب، انسان مؤمن با بهره‌گیری از عقلانیت دینی، یعنی فهم هماهنگ آموزه‌های وحیانی با مقتضیات زندگی، می‌تواند مسیر سعادت را طی کند و علاوه بر توجه به عبادات و مناسک در انتخاب‌های اجتماعی، اخلاقی و فردی نیز از معیارهای الهی بهره‌می‌گیرد. این عقلانیت، پیوندی میان معرفت، عمل و هدف‌مندی ایجاد می‌کند در نظام اسلام، انسان سعادت‌مند کسی است که بتواند در هر دو عرصه، بهره‌مند باشد؛ نه آن‌که یکی را فدای دیگری کند. این نگاه، با آموزه‌های افراطی زهدگرایانه یا دنیاگرایانه ناسازگار است و بر تعادل، مسئولیت‌پذیری و رشد همه‌جانبه تأکید دارد پیوند دنیا و آخرت در تعالیم انبیاء، نه تنها یک اصل اعتقادی، بلکه راهبردی تربیتی برای ساخت انسان متوازن و جامعه‌ای اخلاق‌محور است.

در این نظام معرفتی، دعا به‌عنوان تجلی ایمان و تسلیم در برابر پروردگار، جایگاهی ممتاز دارد؛ تا آنجا که در منابع روایی از آن به‌عنوان «افضل عبادات» یاد

شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۳۱/۷؛ سیوطی، ۱۴۲۹ ق: ۲۰۰۲/۱). دعا، تجلی گفت‌وگوی مستقیم انسان با خداوند است. این ارتباط، انسان را از سطح صرفاً مادی زندگی بالا می‌برد و او را به افق‌های معنوی و اخروی متصل می‌کند. در واقع، دعا همان پیوندی است که زندگی دنیوی را با هدفی متعالی معنا می‌بخشد از این رو است که در منابع اهل سنت آمده، نزد خداوند هیچ چیزی گرمی‌تر از دعا نیست (ابن حنبل، ۱۴۱۲ ق: ۳۶۰/۱۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ ق: ۶۶۶/۱). گفتنی است که این پیوند نشان می‌دهد که دعا صرفاً ابزار رفع گرفتاری نیست، بلکه نمودی از بندگی، معرفت و پیوند دائمی انسان با خداوند است. وقتی خداوند دعا را از همه چیز عزیزتر می‌داند، یعنی آن را عالی‌ترین جلوة تواضع، ایمان و امید انسان به رحمت الهی تلقی می‌کند و هنگامی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دعا را در ایام آسایش نیز توصیه می‌فرماید و آن را خیر هر دو سرا می‌داند (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۴۱۲/۲)، در واقع به ما می‌آموزد که دعا نه واکنشی اضطراری، بلکه روشی مستمر برای رشد، آرامش و تعالی روحی است که جایگاه دعا را از یک عمل عبادی به یک اصل تربیتی و معرفتی فراگیر ارتقاء می‌دهند، اصلی که هم در لحظه نیاز و هم در زمان آرامش، انسان را به خداوند نزدیک و مسیر سعادت دو سرا را هموار می‌کند.

دعای «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً...» دقیقاً مصداق همان دعایی است که هم در دنیا خیر می‌طلبد و هم در آخرت و در نهایت از عذاب الهی پناه می‌جوید. این دعا، نمونه‌ای کامل از عقلانیت دینی و تعادل‌گرایی اسلامی است. دعایی که پیامبر اکرم بیش از همه آن را بر زبان جاری می‌کردند (بخاری، ۱۴۱۰ ق: ۸۳/۸) بر این اساس اسلام، دین تعادل، معنا و هدف است و این آیه، معیار قرآنی برای زیست مؤمنانه است؛ نه دنیاگریزی، نه دنیاپرستی، بلکه زیست متوازن با هدف

تعالی. پیامبر اکرم نیز با تکرار این دعا، عملاً این سبک زندگی را به عنوان الگوی نبوی معرفی کرده‌اند. بنابراین، این آیه نه تنها یک دعا است، بلکه یک الگوی زندگی توحیدی است الگویی که دنیا را نه نفی می‌کند، نه مطلقاً می‌ستاید، بلکه آن را عرصه‌ای برای رشد، تعالی و آمادگی برای آخرت می‌داند. این دعا، خواسته‌ای متعادل دارد: خیر دنیا، خیر آخرت و نجات از عذاب. این سه‌گانه، دقیقاً در برابر سه‌گانه انسان‌ها قرار می‌گیرد. آن‌ها در مواجهه با این دو ساحت، به سه دسته تقسیم می‌شوند: نخست، دنیاگرایان که تنها به لذت‌های مادی توجه دارند (ر.ک: بقره/۲۰۰)؛ دوم، آخرت‌گرایان افراطی که از دنیا کناره گرفته‌اند؛ (آیه به‌طور مستقیم به این موضوع اشاره ندارد اما در مجموع آیات، از کسانی که دنیا را ترک کرده و رهبانیت افراطی پیشه کرده‌اند، انتقاد شده‌است. نمونه: سوره حدید/۲۷) و سوم، مؤمنان متعادل که با پیروی از تعالیم اسلام، به دنبال تحقق زندگی توأمان دنیوی و اخروی‌اند (بقره/۲۰۱).

بدین‌روی، قرآن با سفارش به دعای جامع، سبک زندگی متعادلی را ترسیم می‌کند که در آن، دنیا و آخرت در تعادل‌اند. در همین راستا، تحلیل مفهوم «حَسَنَه» در این آیه شریفه می‌تواند ابعاد معنایی، اخلاقی و اجتماعی سبک زندگی مؤمنانه را آشکار کند و در تبیین آموزه‌های قرآنی نقش‌آفرین باشد.

برای تحلیل دقیق آیه ۲۰۱ سوره بقره و تأمل در مفهوم واژه «حَسَنَه» در این آیه، ضروری است که آیات پیشین بررسی شوند، چرا که این آیه در امتداد مجموعه‌ای از آیات مرتبط با مناسک حج نازل شده‌است. خداوند در آیات قبل، ضمن تبیین ابعاد عبادی، اجتماعی و معنوی حج، انسان را به بازاندیشی در اهداف زیارت و حضور در این آیین فرا می‌خواند و می‌فرماید: «وَأْتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...»؛ حج و عمره را برای خدا به پایان برید. (۱۹۶)

سپس، در ادامه آیات ماه‌های حج و برخی از آداب مربوط به آن را ذکر کرده‌است: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۷)».

در آیه بعد، به این مسأله تصریح شده‌است که اگر مسلمانان تصویری کردند که تجارت در ایام حج عملی ناپسند یا مغایر با عبادت است، خداوند با بیان صریح خود اجازه پرداختن به تجارت را در این ایام صادر کرده و آن را مجاز شمرده‌است «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ» (۱۹۸) و با بیان آیه «ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۱۹۹) ضمن تأکید بر یکسانی مسیر حرکت حاجیان از عرفات، با دعوت به استغفار الهی، پیوندی میان ابعاد مناسکی و روحی حج برقرار کرده و یادآور غفران و رحمت خداوند در لحظات اوج عبودیت است در ادامه آیات مربوط به مناسک حج، قرآن در آیه ۲۰۰ سوره بقره خطاب به حاجیان می‌فرماید که پس از اتمام اعمال حج، همان‌گونه که نیاکان خود را یاد می‌کردند، بلکه با توجهی عمیق‌تر، به ذکر خداوند بپردازند. این توصیه، جابه‌جایی تمرکز از سنت‌های قومی به یاد الهی را نشان می‌دهد و بر بُعد توحیدی این عبادت تأکید دارد. در ادامه، برخی افراد به‌عنوان نمونه‌ای از نگرش سطحی، صرفاً خواستار بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی هستند، در حالی که طبق آموزه‌ی الهی، این رویکرد فاقد بهره‌آخروی خواهد بود در آیه ۲۰۱، خداوند شیوه صحیح دعا را تعلیم می‌دهد و از مؤمنان می‌خواهد که هم سعادت دنیوی و هم نعمت‌های آخرت را از او طلب کنند، همراه با درخواست رهایی از عذاب دوزخ که این خود نشان‌دهنده تعادل در نیازها و

نگرش جامع‌نگر انسان مؤمن است در آیه ۲۰۲، این اصل بنیادین مطرح می‌شود که بهره‌مندی انسان‌ها تابع تلاش و عملکرد آن‌ها است، به طوری که هر فرد به اندازه آنچه کسب کرده است بهره خواهد برد. در پایان، با تأکید بر سرعت محاسبه الهی، عدالت خداوند در رسیدگی به اعمال همه انسان‌ها یادآوری می‌شود.

در نظام ارزشی قرآن، خداوند متعال با نگاهی جامع‌نگر، میان ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان تعادل برقرار می‌کند. این رویکرد، در آیات مذکور به وضوح قابل مشاهده بود. در این چهارچوب، طلب معاش و بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی نه تنها نفی نمی‌شود، بلکه در کنار عبادات و سلوک معنوی همچون حج، به عنوان عوامل مکمل در مسیر رشد و تعالی انسان معرفی می‌شود از این منظر، زندگی مطلوب انسانی در گرو هم‌افزایی میان تلاش اقتصادی، روابط اجتماعی و بندگی الهی است. چنین نگاهی، نه تنها از افراط‌گرایی دنیاگرایانه یا رهبانیت منزوی پرهیز دارد، بلکه الگویی از زیست متوازن را ارائه می‌دهد که در آن، انسان در مسیر کمال، هم به آبادانی زمین می‌پردازد و هم به قرب الهی نائل می‌شود.

با آن‌که مفهوم واژه «حَسَنَه» در آیه ۲۰۱ سوره بقره از منظر مفسران قرآنی دارای اهمیت فراوان است، اما تحلیل ابعاد گوناگون این واژه، به ویژه دلالت‌های اجتماعی آن، در پژوهش‌های پیشین کمتر به صورت مستقل محل توجه قرار گرفته است. «حَسَنَه» از واژگان کلیدی و پرتکرار در قرآن کریم است که معناشناسی آن، طیفی از نعم الهی، نیکی‌های اخلاقی، رفاه دنیوی، هدایت معنوی و در نهایت رضوان الهی را شامل می‌شود؛ مفهومی که می‌تواند در شکل‌گیری جهان‌بینی فرد مؤمن و نحوه کنش اجتماعی او تأثیرگذار باشد.

مسئله اصلی پژوهش این است که مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر این واژه در آیه مزبور چه دیدگاه‌هایی ارائه کرده‌اند و این دیدگاه‌ها چگونه در فهم بعد اجتماعی

«حَسَنَه» نمود یافته‌اند؟ به عبارت دیگر، آیا رویکردهای تفسیری مختلف - اعم از فلسفی، اجتهادی، روایی، ادبی و قرآن‌به‌قرآن - قرائتی یکسان از پیوند میان «حَسَنَه» و زیست اجتماعی مؤمنانه ارائه داده‌اند؟ کدام یک از تفاسیر، تحلیلی جامع‌تر از ابعاد اجتماعی و معنوی «حَسَنَه» به دست می‌دهد؟

پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، تفاسیر مجمع‌البیان (نحله ادبی - روایی شیعه در قرن ششم هجری)، تفسیر ابن‌کثیر (نحله روایی - تاریخی اهل سنت در قرن هشتم هجری)، الدر المنثور (نحله روایی مأثور اهل سنت در قرن نهم هجری)، روح المعانی (نحله ادبی - کلامی اهل سنت در قرن سیزدهم هجری) و المیزان (نحله عقلی - اجتماعی شیعه و روش تفسیر قرآن‌به‌قرآن در قرن چهاردهم هجری) را - به دلیل نمایندگی شاخص هر یک از این نحله‌ها در سنت‌های تفسیری - به عنوان نمونه‌هایی از گرایش‌های متنوع تفسیری بررسی کرده‌است و تلاش دارد تا ضمن تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آن‌ها، نسبت میان معناشناسی قرآنی و کارکرد اجتماعی واژه «حَسَنَه» را تبیین کند.

در همین راستا، «تحلیل تطبیقی» به عنوان رویکرد اصلی پژوهش، روشی است که با هدف آشکارسازی وجوه اشتراک و افتراق میان دیدگاه‌ها یا متون مختلف به کار گرفته می‌شود. این شیوه نه صرفاً بر بیان تفاوت‌ها، بلکه بر کشف نقاط همگرایی نیز تأکید دارد؛ زیرا تنها از رهگذر بررسی هم‌زمان شباهت‌ها و تفاوت‌ها است که می‌توان تصویری جامع و نظام‌مند از موضوع مورد مطالعه ارائه داد. در مطالعات قرآنی، تحلیل تطبیقی امکان می‌دهد تا برداشت‌های مفسران از یک مفهوم، همچون «حَسَنَه»، در چهارچوب‌های معرفتی و روش‌شناختی متفاوت بررسی و ظرفیت‌های معنایی آن آشکار شود. بدین‌سان، پژوهشگر با بهره‌گیری از این رویکرد نه تنها به تمایزهای

تفسیری دست‌می‌یابد، بلکه می‌تواند پیوندهای معرفتی و اجتماعی مشترک را نیز برجسته‌کند؛ پیوندهایی که در نهایت به فهمی عمیق‌تر از گفتمان قرآنی و کارکردهای اجتماعی آن منجر می‌شود.

۱-۱. ضرورت پژوهش

واژه قرآنی «حَسَنَه» از مفاهیم کلیدی و چندلایه‌ای است که در بستر آیات، به‌ویژه در دعای مشهور «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»، ابعاد اخلاقی، اجتماعی و وجودی گسترده‌ای می‌یابد. با وجود کاربرد فراگیر این آیه در سنت دینی، دامنه معنایی و کارکردهای اجتماعی «حَسَنَه» کمتر به‌صورت روشمند واکاوی شده‌است. تحلیل تطبیقی این مفهوم در تفاسیر فریقین، افزون بر روشن ساختن تفاوت‌ها و اشتراکات دو مکتب تفسیری، می‌تواند تصویری جامع‌تر و دقیق‌تر از دلالت‌های اجتماعی آیه ارائه‌کند و زمینه بهره‌گیری عالمانه‌تر از آن را در مطالعات قرآنی و عرصه‌های اجتماعی فراهم‌آورد. از این‌رو، انجام این پژوهش ضرورتی علمی و معرفتی دارد و می‌تواند خلأ موجود در ادبیات تفسیری و اجتماعی قرآن را تا حدی برطرف‌کند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات قرآنی پیرامون مفهوم «حَسَنَه» را می‌توان در محورهای مختلف طبقه‌بندی کرد. بخشی از پژوهش‌ها به بررسی آثار حسنات اختصاص یافته‌اند؛ از جمله می‌توان به مقاله «آثار حسنات در قرآن» (۱۳۹۹)، اشاره‌کرد که پیامدهای فردی و اجتماعی اعمال نیک در قرآن را تحلیل کرده‌است.

گروهی دیگر از تحقیقات، به معرفی «اسوه‌های حسنه» در قرآن کریم پرداخته‌اند؛ یعنی شخصیت‌هایی که قرآن آنان را به‌عنوان الگوهای اخلاقی و رفتاری برای انسان‌ها

معرفی می‌کند. در این راستا، برخی پژوهش‌ها به بررسی یک الگوی خاص توجه داشته‌اند؛ مانند مقاله «رسول‌الله (ص) اسوة حسنة بشری» (۱۳۸۵)، برخی دیگر، مجموعه‌ای از اسوه‌های قرآنی را تحلیل و تطبیق کرده‌اند، مانند: «راهکارهای تربیتی مقابله با مصرف‌گرایی تظاهری بر اساس اسوه‌های حسنة قرآن کریم» (۱۴۰۰)، و در برخی مطالعات دیگر، تحلیل الگوهای تربیتی شخصیت‌های قرآنی محل توجه قرار گرفته‌است. مانند مقاله «تحلیل تربیتی آیات دعوت الگوهای حسنة قرآن به نماز؛ دعوت به نماز بر اساس مبادی آن» (۱۴۰۲). با وجود این مطالعات، پژوهشی که به‌طور خاص معنای واژه «حَسَنَه» را در آیه ۲۰۱ سوره بقره بررسی کند و به تطبیق و مقایسه دیدگاه‌های مفسران بپردازد، یافت نشده‌است. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با تحلیل آرای تفسیری، به واکاوی دقیق این مفهوم در آیه مذکور بپردازد.

برای شناسایی دامنه معنایی واژه «حَسَنَه» می‌توان از منابع لغوی، روایی و تفسیری بهره‌گرفت و از آنجایی که یکی از پایه‌های فهم دقیق قرآن، اتکاء به منابع ادبی است و این منابع نقش مهمی در تفسیر آیات ایفامی‌کنند و تسلط بر واژگان، ساختار نحوی و جلوه‌های بلاغی متن، مقدمه ضروری برای فهم قرآنی به‌شمار می‌رود، ابتدا به فهم معنای لغوی «حسنة» پرداخته می‌شود.

۲. معنای لغوی «حسنة»

واژه «حَسَنَه» در ادبیات قرآنی به معنای امری نیکو و خوشایند به‌کار رفته‌است؛ مفهومی که علاوه بر جنبه‌های مادی، موجب سرور و آرامش روانی انسان نیز می‌شود و از این رو، هم بُعد جسمانی و هم بُعد روحی زندگی او را دربرمی‌گیرد. (راغب اصفهانی ۱۳۷۳ ش: ۲۳۵). هم‌چنین واژه «حَسَنَه» در ادبیات قرآنی به معنای هر نعمتی

تحلیل تطبیقی مفهوم اجتماعی «حَسَنَه» در تفاسیر فریقین با ... / سیدرضادولابی ۵۵

مطلوب و مفرح برای انسان به کار می‌رود و «سَيِّئَه» به عنوان ضد آن شناخته می‌شود؛ اصل معنایی «حَسَن» نیکویی و زیبایی دانسته شده و در برابر آن، ریشه «سوء» به معنای زشتی و بدی معرفی شده است (ابن فارس، ۳۹۵ق: ۳۶۵/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۳ش: ۲۳۵).

از منظر آماری، واژه «حسنه» به طور مستقل در قرآن کریم ۲۸ بار و «حسنات» ۳ بار به کار رفته است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ش: ۱۳۵-۱۳۶). این بسامد نشان‌دهنده اهمیت این مفهوم در تبیین ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و تربیتی در متون قرآنی است

۳. تبیین ابعاد و مصادیق «حسنه» بر پایه آراء مفسران

حال به بررسی دیدگاه‌های مفسران درباره جنبه‌ها و نمونه‌های واژه «حسنه» پرداخته می‌شود.

۳-۱. تحلیل مفهوم «حسنه» در تفسیر المیزان: بررسی رابطه با رضا و رضوان الهی و تبیین مصادیق روایی

یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین تفاسیر شیعه، تفسیر المیزان است که علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، حکیم، فقیه، عارف، فیلسوف و مفسر قرن چهاردهم شمسی با روش تفسیری قرآن‌به‌قرآن نوشته و از جمله تفاسیر ترتیبی است. این روش در کار وی، تنها به در کنار هم گذاشتن آیات، برای درک معانی واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه علامه برای رسیدن به مفاهیم بلند قرآن به تأمل در ماقبل و مابعد آیه و توجه به روند کلی کلام یعنی سیاق و به کشف معانی کلمات و آیات قرآن می‌پردازد تا به درک پیام آیه دست‌یابد. از آنجایی‌که این تفسیر جامع مورد توجه عالمان شیعه و سنی قرار گرفته است، در این مقاله یکی از منابع فهم واژه «حسنه» در قرآن است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۰۱ سوره بقره با تحلیل سیاق، آن را در پیوند با آیه «فَإِذَا قُضِيَتْ مَنَاسِكُكُمْ ... أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» بررسی می‌کند و تأکید دارد که این آیه دعوتی مؤکد به ذکر خدا است، حتی بیشتر از یادآوری پدران. دلیل این مبالغه آن است که نعمت هدایت الهی بر انسان، بزرگ‌تر و ارزشمندتر از نعمت‌های پدران است.

علامه در تفسیر آیه، با رویکرد تطبیقی به آرای مفسران، زمینه تاریخی جاهلیت را یادآور می‌شود که مردم پس از مناسک حج به فخر فروشی از پدران خویش می‌پرداختند. او توضیح می‌دهد که قرآن به جای این سنت، انسان را به ذکر خدا فرا می‌خواند و حتی بر شدت و کمال این یادآوری تأکید می‌کند. تعبیر «أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا» در نگاه او به معنای «بلکه شدیدتر» است و نشان‌دهنده اعراض از سنت جاهلی و دعوت به ذکر الهی با مرتبه‌ای بالاتر است. بدین‌سان، ذکر خداوند نه تنها جایگزین یاد پدران، بلکه برتر و کامل‌تر از آن معرفی می‌شود هم‌چنان که در جای دیگر فرموده: «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (احزاب/۴۱) و نیز فرموده است: «وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۳۵).

علامه طباطبایی با تحلیل کیفیت ذکر، آن را فراتر از لفظ می‌داند و حقیقتش را حضور قلب معرفی می‌کند و لفظ را تنها نشانه‌ای از یاد درونی می‌داند. از این‌رو، ذکر هم به کثرت در حالات و هم به شدت در کیفیت متصف می‌شود. ایشان سپس، آیه «فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا...» را نتیجه‌ای بر آیه «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ» می‌داند و با توجه به سیاق، پیوستگی معنایی آن‌ها را تبیین می‌کند. مراد از «ناس» همه انسان‌ها است: کافران که تنها دنیا و افتخارات مادی را می‌جویند و در آخرت نصیبی ندارند، و مؤمنان که جز رضای الهی نمی‌طلبند و بهره‌ای از دنیا و آخرت ندارند. بدین‌سان، از نگاه ایشان ذکر حقیقی و دعا، زبان حال انسان نسبت با دنیا و آخرت است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۱۹/۲).

همو در تحلیل تفاوت تعبیر قرآن کریم در آیه ۲۰۰ و ۲۰۱ سوره بقره، علت ذکر واژه «حَسَنه» را در دعای اهل آخرت و عدم کاربرد آن در گفتار اهل دنیا چنین تبیین می‌کند: اهل آخرت تنها در پی آن‌اند که رضای پروردگارشان را بجویند؛ از این‌رو، خواسته‌های آنان چه در دنیا و چه در آخرت، در چهارچوب «حسنة» تعریف می‌شود و نصیبی از آخرت خواهند داشت. در مقابل، کسانی که تنها به دنیا دل بسته‌اند، مقید به معیار الهی نیستند و هر آنچه با خواهش نفس و لذت‌های مادی سازگار باشد، نزد آنان «خوب» و مطلوب تلقی می‌شود، بی‌آنکه به ارزش الهی آن توجهی داشته باشند. بدین‌سان، مؤمنان میان «حسنة» و «سیئه» تمایز می‌نهند و جز حسنة را طلب نمی‌کنند، در حالی‌که اهل دنیا همه مظاهر مادی را بی‌تفکیک، نیکو می‌پندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۸/۳۹۰).

همو با نقد نگرش دنیاگرایانه تأکید می‌کند که دنیا اگر در جایگاه فراهم‌سازی توشه معنوی آخرت قرارگیرد، نه تنها مذموم نیست، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی نیز باشد. ایشان در مقایسه میزان بهره‌مندی دو گروه_ دنیاطلبان و آخرت‌گرایان_ با استناد به آیات قرآن کریم، تفاوت بنیادین این دو نگرش را روشن می‌کند. ساختار تقابلی قرآن میان جمله «وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ» و عبارت «أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا» بیانگر آن است که اعمال گروه نخست، یعنی کسانی که تنها دنیا را می‌جویند، بی‌ثمر و بی‌نتیجه خواهد بود، در حالی‌که گروه دوم، که رضای الهی را مقصد خود ساخته‌اند، از دستاوردهای اعمالشان هم در دنیا و هم در آخرت بهره‌مند می‌شوند.

این بازخوانی، دنیا را نه هدف نهایی، بلکه ابزاری در خدمت تعالی انسان و پیوند او با عدالت و رضوان الهی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۲/۱۲۱).

بر پایه تحلیل سیاقی آیات، می‌توان دریافت که از آیه «فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ...» تا پایان سه آیه، محور اصلی قرآن کریم دعوت به ذکر و یاد خداوند است. در این چهارچوب، انسان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که دل در گرو مظاهر دنیا نهاده و از یاد خدا و آخرت غافل‌اند و در نتیجه در حیات اخروی بهره‌ای ندارند؛ و گروهی دیگر که رضوان الهی را مقصد خود ساخته‌اند و بدین‌سان هم از نعمت‌های دنیا برخوردار می‌شوند و هم در آخرت نصیبی خواهند داشت. خداوند، که «سریع الحساب» است، بر اساس حکمت و لطف خویش، پاداش اعمال نیک اینان را به‌گونه‌ای شایسته عطا می‌کند. از این منظر، قرآن مؤمنان را به حضور قلبی و مستمر در ذکر الهی فرامی‌خواند تا در شمار بهره‌مندان آخرت باشند، نه در زمره غافلان محروم. در نهایت، علامه طباطبایی در تبیین واژه «حَسَنَه»، آن را به آنچه رضوان الهی را در پی دارد و نهایتاً به کمال و سعادت اخروی منتهی می‌شود، به تأویل می‌برد.

در اینجا پرسشی بنیادین مطرح می‌شود: منظور از «رضوان الهی» چیست، آنگاه که قرآن کریم آن را پیامد نهایی «حَسَنَه» در دنیا و آخرت معرفی می‌کند؟ به نظر می‌رسد فهم دقیق این مفهوم، کلید تفسیر غایت‌شناسانه حیات مؤمنانه از منظر قرآن باشد.

در آیه ۷۲ سوره توبه، خداوند وعده بهشت‌هایی جاودانه با نهرهای روان، سکونت‌گاه‌هایی پاک و آرامش‌بخش در بهشت عدن، و در نهایت رضای الهی را به مؤمنان و مؤمنات می‌دهد. آن‌گاه می‌فرماید: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲)، یعنی رضایت خداوند از همه این نعمت‌ها برتر و والاتر است و آن، حقیقت رستگاری عظیم است.

بر اساس این آیه، رضوان الهی نه تنها فرجام نهایی حیات مؤمنانه است، بلکه مرتبه‌ای برتر از بهره‌مندی مادی بهشتی تلقی می‌شود؛ حالتی از تقرب و خشنودی

خداوند از عبد صالح خویش. در این معنا، «حَسَنَه» مفهومی جامع دارد که از نیکی‌های دنیوی تا سعادت اُخروی را دربر می‌گیرد و مقصد نهایی آن، رضایت الهی است. رضایتی که تجلی کمال ایمان، حسن عمل و بلوغ روحی انسان مؤمن به‌شمار می‌رود این مرتبه، به‌عنوان عالی‌ترین شکل پذیرش الهی، نه تنها فراتر از مواهب بهشتی تلقی می‌شود، بلکه غایت نهایی سلوک مؤمنانه و کمال ایمان به‌شمار می‌رود. علامه طباطبایی در تفسیر خود تصریح می‌کند: «رضوان خدا، حقیقت رستگاری است و حتی در بهشت رضای خدا نباشد بهشت هم عذاب خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۹ / ۴۵۶). این بیان، بر تقدم رضایت الهی نسبت به لذت‌ها و مواهب ظاهری بهشت دلالت دارد و نشان می‌دهد که ارزش حقیقی حیات اُخروی در رضایت خداوند و قرب الهی نهفته است، نه صرف بهره‌مندی از نعمت‌های مادی لازم به یادآوری است که برخی آیات قرآن کریم، همچون آیه ۶۲ سوره یونس که می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، بر امنیت و آرامش اهل ایمان در حیات اُخروی دلالت دارند و ناظر به اصل بهره‌مندی آنان از نعمت‌های بهشتی‌اند. این آیات، تصویر کلی از آرامش و رهایی مؤمنان از خوف و حزن را ارائه می‌کنند در مقابل، آیه «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه/۷۲) مرتبه‌ای والاتر را معرفی می‌کند؛ مرتبه‌ای که حقیقت رستگاری در آن نهفته است و فراتر از بهره‌مندی از نعمت‌های مادی و ظاهری بهشت قرار دارد. رضوان الهی، به‌معنای رضایت و قرب خداوند، غایت نهایی سعادت انسان و کمال مطلوب حیات اُخروی است.

از این رو، میان این دو دسته آیات هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد؛ بلکه تفاوت در سطح و درجه است. آیات مربوط به امنیت و آرامش، بیانگر نعمت‌های عمومی و پایه‌ای بهشت‌اند، در حالی که آیه رضوان، مرتبه‌ای عالی‌تر و حقیقتی ژرف‌تر را آشکار می‌کند که ارزش حقیقی حیات اُخروی در آن تجلی می‌یابد.

بر اساس تحلیل‌های بلاغی نیز، کاربرد واژه «رضوان» به صورت نکره در آیه، حامل دلالتی خاص بر عظمت و منزلت رضایت الهی است. این شیوه بیان در علم بلاغت تحت عنوان «نکره برای تعظیم» (جرجانی، ۱۴۲۴ق: ۲۳۵؛ زمخشری، ۱۴۱۸ق: ۲/۲۳۵)، شناخته می‌شود؛ به طوری که عدم تعیین واژه از راه مضاف‌الیه یا وصف، به منظور ایجاد ابهام مثبت در ذهن مخاطب و تصویرسازی حداکثری از بزرگی آن مفهوم انجام می‌گیرد. در این موضع قرآنی، انتخاب نکره برای «رضوان» نه تنها نشانه بزرگ‌نمایی معنایی، بلکه بیانگر شمول و مرتبه‌ای ممتاز از رضایت الهی است؛ رضایتی که از حیث مرتبه و عمق وجودی، فراتر از سایر انواع پاداش‌های الهی و نعمات محسوس بهشتی قرار می‌گیرد و به عنوان موهبتی فرابشری و غیرقابل تصور معرفی شده است. این ویژگی موجب می‌شود که «رضوان» در این مقام نه صرفاً یک نعمت، بلکه تجلی اوج ارتباط عبد و مولا تلقی شود. ارتباطی که در آن، رضایت خداوند به عنوان غایت نهایی سعادت انسان مؤمن جلوه می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر خود، در علت نکره آمدن واژه «رضوان» آورده است:

برای اشاره به این معنا است که معرفت انسان نمی‌تواند آن را و حدود آن را درک کند، چون رضوان خدا محدود و مقدر نیست تا وهم بشر بدان دست یابد و شاید برای فهماندن این نکته بوده که کمترین رضوان خدا هر چه هم کم باشد، از این بهشت‌ها بزرگ‌تر است، البته نه از این جهت که این بهشت‌ها نتیجه رضوان او و ترشحی از رضای او است. هر چند این ترشح در واقع صحیح است. بلکه از این جهت که حقیقت عبودیت که قرآن کریم بشر را بدان دعوت می‌کند، عبودیتی است که به خاطر محبت به خدا انجام شود، نه به خاطر طمعی که به بهشتش و یا ترسی که از آتشش داریم و بزرگترین سعادت و رستگاری برای یک نفر عاشق و دوستدار این است که رضایت معشوق خود را جلب کند، بدون این که در صدد ارضاء نفس خویش بوده باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۳۵۳/۹).

صاحب المیزان علت ختم آیه به جمله (ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) را در پرتو قاعده حصر با ضمیر فصل «هو» تبیین می‌کند؛ بدین معنا که فوز عظیم و حقیقی، منحصر در رضوان الهی است.

بنابراین، از نگاه ادبی - قرآنی، نکره بودن «رضوان» نه تنها خالی از تدقیق نیست، بلکه با هدف برجسته‌سازی یک حقیقت عظیم و غایی به کار رفته که هم مؤلفه‌ای بلاغی است و هم ریشه در معناشناسی غایی حیات مؤمنانه دارد.

مطابق با تحلیل‌های علامه طباطبایی، رضوان الهی نتیجه عبودیت آگاهانه و محبت‌محور است، نه صرفاً اطاعت از ترس یا طمع. این نوع عبودیت، در بستر اجتماع شکل می‌گیرد و در تعامل با دیگران به فعلیت می‌رسد. در مقاله «رابطه تربیت الهی با حیات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی» اثر سید محمدرضا فقیه ایمانی و محمدرضا شاهرودی، نیز تأکید شده که کمال توحیدی انسان تنها در متن اجتماع تحقق می‌یابد و رضوان الهی، نتیجه سلوک اجتماعی مبتنی بر توحید و عدالت است.

از منظر جامعه‌شناسی قرآنی، رضوان الهی به مثابه یک نظام ارزشی عمل می‌کند که کنش‌های اجتماعی را جهت‌دهی می‌کند. در آیات متعددی، از جمله آل عمران: ۱۵ و توبه: ۷۲، رضایت خداوند در کنار مفاهیمی چون تقوا، انفاق، جهاد و صبر آمده است؛ مفاهیمی که همگی بار اجتماعی دارند و در تعامل با جامعه معنا می‌گیرند. بنابراین، رضوان الهی نه تنها پاداشی اخروی، بلکه شاخصی برای ارزیابی کنش‌های اجتماعی مؤمنانه نیز است.

در جمع‌بندی می‌توان گفت: رضوان الهی در خوانش اجتماعی قرآن، بیانگر آن است که تنها در سایه ایمان فردی محقق نمی‌شود، بلکه ثمره حضور فعال و مؤمنانه انسان در جامعه، مبتنی بر توحید، عدالت، جهاد، انفاق و صبر است. این مؤلفه‌ها که در

آیات متعدد در کنار رضایت الهی آمده‌اند (نک: آل عمران ۱۵، توبه ۷۲) به شکل روشنی بار اجتماعی دارند و تحقق آن‌ها در گرو کنش جمعی و مناسبات اخلاقی جامعه مؤمنانه است جامعه‌ای که بر پایه ایمان، عدالت، و اخلاق الهی بنا شده‌است. چنین جامعه‌ای، نه تنها در آخرت مشمول رضوان می‌شود، بلکه در دنیا نیز از آرامش، انسجام و برکت برخوردار خواهد بود بدین ترتیب، رضوان الهی در گفتمان قرآنی، نه صرفاً پاداشی اخروی، بلکه شاخصی برای ارزیابی نظام ارزشی و اخلاقی جامعه دینی نیز به‌شمار می‌آید.

۲-۳. «حسنه» در روایات تفسیری المیزان: مطالعه موردی با وسعت رزق، حسن خلق، همنشین خوب و همسر صالح در دنیا و بهشت و حوریان بهشتی در آخرت

علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»، بعد از بررسی سیاق آیات و بیان دیدگاه خویش، به روایات تفسیری استناد می‌کند و به تبیین مصادیق مفهوم «حسنه» در سخنان معصومین علیهم‌السلام می‌پردازد. وی با ارجاع به روایتی از امام صادق علیه‌السلام، «حسنه» دنیوی را مشتمل بر «سعة رزق» و «حسن خلق» و «حسنه» اخروی را ناظر به «رضوان الهی» و «بهشت» معرفی می‌کند. (عیاشی، ۱۴۲۲ق: ۱/۹۸) هم‌چنین، روایت دیگری از او در همان منبع (عیاشی، ۱۴۲۲ق: ۱/۹۹)، نقل شده‌است که «حسنه» در دنیا را «رضوان خدا»، «توسعه در معیشت» و «همنشین نیکو» و «حسنه» در آخرت را «بهشت» قلمداد می‌کند. علاوه بر این، علامه طباطبایی با استناد به روایتی از امیرالمومنین علیه‌السلام در تفسیر مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۲/۲۹۸)، «حسنه» دنیوی را «همسر صالح»

تحلیل تطبیقی مفهوم اجتماعی «حَسَنَه» در تفاسیر فریقین با ... / سیدرضادولابی ۶۳

و «حسنة» اخروی را «حوریه» می‌داند و در مقابل، «عذاب النار» را به «همسر ناشایست» تأویل می‌نماید.

وی با اذعان به اطلاق معنایی واژه «حَسَنَه»، روایات وارده در تبیین مصادیق آن را نه به منزله تحدید معنا، بلکه صرفاً به عنوان نمونه‌هایی از این مفهوم کلی تلقی می‌کند و در روایات نیز بر محوریت «رضا و رضوان الهی» در فهم حقیقت «حَسَنَه» تأکید می‌ورزد. از همین رو، تصریح دارد که این روایات در مقام ذکر مصداق‌اند، نه در مقام حصر معنا؛ زیرا آیه شریفه در اطلاق خود باقی است و رضوان الهی، که ظهور ناقص آن در دنیا و ظهور کامل آن در آخرت تحقق می‌یابد، می‌تواند هم در شمار حسنات اخروی قرار گیرد_ چنان‌که در روایت نخست بدان اشاره شده_ و هم در زمره حسنات دنیوی_ چنان‌که روایت دوم بر آن دلالت دارد_ (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۱۲۶/۲).

۳-۳. «حسنة» به مثابه نعمت دنیوی و اخروی در تفسیر مجمع‌البیان

تفسیر مجمع‌البیان اثر فضل بن حسن طبرسی ملقب به «امین‌الاسلام» مفسر، فقیه، متکلم و محدث نامدار شیعه در سده ششم قمری است کتاب تفسیری وی به سبب جامعیت، اتقان و استحکام مطالب و حفظ سیاق آیات و پرهیز از تفسیرهای باطنی و انصاف در نقد و بررسی آراء و نگاه تقریبی محل توجه قرار گرفته است.

علامه طبرسی در ذیل تفسیر آیه ۲۰۱ سوره بقره، به بررسی دو نوع نگرش در دعا و درخواست از پروردگار می‌پردازد. وی در ابتدا به گروهی اشاره می‌کند که تمام همت و توجه آنان معطوف به دنیا است و از خداوند متعال صرفاً امور مادی و دنیوی را طلب می‌کنند. در مقابل، گروه دیگری را معرفی می‌کند که در دعای خود، هم نعمت‌های دنیوی را خواستارند و هم رستگاری در آخرت را طلب می‌کنند. همو با

تأمل در الفاظ و سیاق آیه، وضعیت این دو گروه را از حیث هدف‌مندی در زندگی و نوع ارتباط با خداوند تحلیل می‌کند.

۳-۴. از روزی تا بهشت: خوانشی از مصادیق حسنه در تفسیر مجمع‌البیان

طبرسی پس از بیان نظرات خویش، به بُعد روایی واژه «حسنة» توجه می‌کند و با استناد به روایتی از امام صادق علیه‌السلام، به شرح مصادیق آن در دو ساحت دنیا و آخرت می‌پردازد. بر اساس این روایت، مقصود از «حسنة» در دنیا، بهره‌مندی از گشایش در روزی، نیکویی در معیشت، و حسن خلق است و در عرصه آخرت، به رضایت الهی و ورود به بهشت تعبیر می‌شود. این تفسیر، گستره معنایی «حسنة» را در پیوند میان ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان، به‌ویژه در چهارچوب آموزه‌های اسلامی، برجسته می‌کند (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۲/ ۲۶۰). در ادامه، به نقل از مفسرانی چون «حسن» و «قتاده»، «حسنة» در دنیا را علم و عبادت، و در آخرت آن را بهشت می‌داند. هم‌چنین دیدگاه «ابن زید» و «سُدی» را بیان می‌کند که مال و ثروت را به‌عنوان مصداق دنیوی «حسنة» معرفی کرده‌اند، در حالی که بهشت هم‌چنان به‌عنوان پاداش اخروی باقی می‌ماند. افزون بر این، به نقل از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، زن صالحه به‌عنوان نمونه‌ای از «حسنة» در دنیا ذکر شده است. این تنوع در تفسیر، بیانگر گستره مفهومی «حسنة» در ادبیات تفسیری اسلامی است که ابعاد مختلف مادی، معنوی، اخلاقی و خانوادگی را در بر می‌گیرد.

۳-۵. تفسیر مجمع‌البیان و اشتراک مفهومی مصادیق «حسنة» در دنیا و

آخرت: قلبی شاکر، زبانی ذاکر، و همسری مؤمن و هم‌ساز

از منظر روایی و تفسیری، برخی مصادیق «حسنة» دارای جامعیتی هستند که میان دو عرصه دنیا و آخرت پیوند برقرار می‌کنند. قلب شاکر، زبانی که پیوسته در ذکر خدا

است، و همسر مؤمن و همدل، نه تنها در زندگی دنیوی سبب آرامش، برکت و تعالی اخلاقی انسان می‌شوند، بلکه در مسیر کمال معنوی و نیل به رضوان الهی نیز نقش‌آفرین‌اند. این عناصر، از جمله نمونه‌هایی هستند که در متون دینی به‌عنوان مصادیق مشترک «حسنة» در دنیا و آخرت معرفی شده‌اند، چراکه آثارشان فراتر از حدود مادی است و به رشد روحی و رستگاری انسان مدد می‌رسانند.

طبرسی در مجمع‌البیان به‌عنوان حسن ختام بحث تفسیری خود پیرامون آیه (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً)، روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که در آن، سه عنصر بنیادین برای تحقق «حسنة» در دو قلمرو دنیا و آخرت معرفی شده‌است. بنابر این روایت، هر کس از نعمت‌هایی چون «قلبی شاکر»، «زبانی ذاکر» و «همسر مؤمنی که او را در امور دنیوی و اخروی یاری رساند» برخوردار شود، در واقع، بهره‌مند از حسنه‌ای مضاعف در هر دو جهان شده و از عذاب جهنم در امان است (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۲/۲۶۰).

این روایت، با نگاهی تلفیقی به فضائل اخلاقی، معنوی و خانوادگی دربردارنده یک جهان‌بینی ژرف نسبت به پیوند میان اخلاق، معنویت و حیات خانوادگی است. همسری مؤمن، عامل اصلی ثبات، آرامش و همراهی در مسیر معنویت و تکامل است. زبانی که پیوسته در ذکر الهی است، به‌عنوان یکی از بارزترین جلوه‌های ارتباط انسان با پروردگار، نشان‌گر پیوند مستمر با خدا و تهذیب روح است و با تقویت یاد الهی و جهت‌دهی به رفتار دینی نقشی بی‌بدیل دارد و عاملی مؤثر در رهایی انسان از غفلت‌های روزمره و دنیوی است؛ چراکه توجه آگاهانه به خداوند، جهت و معنا به اعمال و تصمیم‌گیری‌های فردی می‌بخشد. بدین‌سان، ذکر زبانی صرفاً یک رفتار ظاهری نیست، بلکه کارکردی تربیتی، روحی و معنوی دارد که در فرایند سیر و سلوک

فرد مؤمن نقش آفرین است؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره کارکرد تزکیه‌ای ذکر، آن را ابزاری مؤثر برای پالایش باطن انسان می‌داند. از این منظر، ذکر نه تنها یک عمل زبانی، بلکه فرایندی تهذیبی و تربیتی است که قلب را از زنگار دنیا می‌زداید و آن را آماده پذیرش نور معرفت و تقرب الهی می‌کند. لذا می‌فرماید: «ان الله سبحانه جعل الذکر جلاء للقلوب» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۲۵/۶۶)، در روایت به قلبی شکرگزار نیز اشاره شده است که نمایان‌گر رضایت درونی و شناخت موقعیت خدادادی انسان است؛ خداوند تبارک و تعالی بعد از امر به ذکر الهی، بشر را به شکرگذاری از خود دعوت می‌کند و می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (البقره/ ۱۵۲)، این ترتب مفهومی، حاکی از آن است که یاد خدا مقدمه‌ای برای تحقق شکر و سپاس‌گزاری حقیقی است. از منظر تفسیری، ذکر الهی نه تنها به معنای لفاظی یا تکرار زبانی است، بلکه بستری برای بیداری قلب، شناخت نعمت‌ها و جهت‌دهی به رفتار انسان در برابر فیض الهی تلقی می‌شود. در ادامه، شکر به عنوان واکنشی آگاهانه و اخلاقی نسبت به نعمت‌های الهی، انسان را از کفران نعمت بازمی‌دارد و او را در مسیر رضایت الهی قرار می‌دهد. شاید علت تعبیر به قلب شاکر همین باشد. قلب مرکز اصلی حیات انسان است و اگر از کار بیفتد زندگی از بین می‌رود و زندگی قلب به تنفس انسان بستگی دارد، پس تا نفس باقی است باید شکر خدا را به جای آورد. شکر انواع دیگری هم دارد؛ شکر عملی و شکر زبانی هم از اقسام شکر است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳ش: ۴۶۲/۱)، ولی پررنگ شدن قلب شاکر در روایت، اهمیت آن را نشان می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۴/۷۱). شکرگزاری در مقیاس اجتماعی، جامعه را به سوی نوعی اخلاق مشارکتی و مسئولانه سوق می‌دهد. وقتی افراد جامعه، نعمت‌های کلان را مانند امنیت، سلامت یا عدالت درک کرده و قدردان آن باشند، زمینه برای

رعایت حقوق دیگران، پرهیز از زیاده‌خواهی و کاهش نابرابری فراهم می‌شود. شکر، در این نگاه، ابزاری برای تقویت عدالت توزیعی و توسعه پایدار است و اعتماد، همیاری و پیوندهای اخلاقی میان اعضای جامعه را افزایش می‌دهد. بنابراین، در خوانش اجتماعی، این مفاهیم از سطح فردی فراتر می‌روند و به ابزاری برای بازسازی فرهنگی، اخلاقی و حتی سیاسی جامعه تبدیل می‌شوند. هر فردی که از نعمت «زبان ذاکر» و «قلب شاکر» برخوردار شود، به نوعی جامع «حسنة» در هر دو ساحت دنیا و آخرت خواهد بود؛ چراکه این دو ویژگی، هم در تربیت اخلاقی و آرامش روانی دنیوی نقش آفرین‌اند و هم در مسیر قرب الهی و رستگاری اخروی تأثیرگذارند.

۳-۶. حَسَنَه به‌مثابه فضیلت جامع؛ رویکرد روح‌المعانی در تبیین خیر دنیوی و اخروی

روح‌المعانی فی تفسیر القرآن‌العظیم و السبع‌المثانی اثر محمود بن عبدالله آلوسی از تفاسیر اهل سنت با نحله عقلی و اجتهادی است که روش بلاغی، بیانی و ادبی را در پیش می‌گیرد و جامع آراء گذشتگان از روایت و درایت بوده‌است. آلوسی در تفسیر به لغت، ادبیات، قرائت، مناسبت بین آیات و سور و اسباب نزول می‌پردازد و در مباحث لغوی و ادبی به اشعار عرب استشهاد فراوان دارد از این رو محل استشهاد این مقاله قرار دارد.

این مفسر برجسته اهل سنت، در بررسی دقیق ساختار واژه «حَسَنَه» در آیه (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً) به‌طور ویژه بر نکته نحوی نکره‌بودن واژه «حسنة» تأکید دارد و آن را دالّ بر مطلق‌بودن طلب معنا می‌کند؛ بدین معنا که درخواست حسنه در این آیه، تقیید به نوع خاصی از خیر ندارد، بلکه بر شمول تمام خیرات و موفقیت در انجام هرگونه عمل صالح در دنیا دلالت دارد در ادامه، آلوسی در

تبيين مصداق «حسنه» در آخرت، جنت و رهایی از هول و سختی مواقف قیامت را برجسته می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۸۶/۱). بدین‌سان، آلوسی با نگاهی جامع، «حسنه» را در دنیا ناظر به تمامی نیکی‌ها و توفیق اعمال صالح و در آخرت، آن را معطوف به نجات از هراس‌های قیامت و برخورداري از نعمات اخروی می‌داند. تحلیلی که مؤید گستره معنایی واژه و تعبیری فراشخصی از خیر مطلق در هر دو قلمرو حیات انسانی است.

۳-۷. □ تحلیل مفهومی واژه «حسنه» در روایات تفسیری روح‌المعانی

آلوسی علاوه بر بیان نظرات خویش درباره حسنه به ذکر روایاتی در این باره می‌پردازد. وی از قول ابن عباس نقل می‌کند: «عده‌ای از اعراب در مواقف حج دنیا را می‌طلبیدند و گروهی از مؤمنان دنیا و آخرت را طلب می‌کردند. در بیان حال این دو گروه خداوند تبارک و تعالی خبر داده‌است آنان که دنیا را می‌طلبیدند از آخرت بهره‌ای ندارند. سپس، آلوسی در تبیین واژه حسنه در دنیا و آخرت به اقوال متعددی اشاره می‌کند، مانند آن که قتاده «حسنه» را عافیت، علی بن ابیطالب آن را زن صالحه، سدی به مال صالح، حسن به علم و عبادت، ابن عمر به اولاد نیکوکار و ستایش خلق و جعفر به صحت و کفایت، نصرت علیه دشمنان و فهم کتاب خدا و همنشینی با صالحین تفسیر کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۸۷/۱). در پایان، صاحب روح‌المعانی با استناد به روایاتی از حسن بصری در کتاب‌های بخاری و مسلم، به توصیه‌های جدی پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله درباره خواندن این دعا اشاره می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۸۷/۱).

۳-۸. مطالعه معناشناختی واژه «حَسَنَه» در روایات نبوی با تمرکز بر اثر

الدَّرَّ الْمَنْثُور

تفسیر در المنثور اثر جلال‌الدین سیوطی، از نویسندگان پرکار، سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر و دارای تألیفات بسیار و متنوع در حوزه فرهنگ و معارف اسلامی است. در المنثور از گسترده‌ترین تفسیرهای نقلی اهل سنت است که تمام اخبار و آثار ذیل آیات را بدون هیچ نقد و تحلیل آورده و از این جهت، از تفسیر طبری گسترده‌تر است.

جلال‌الدین سیوطی ذیل آیه شریفه «فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا إِلَى قَوْلِهِ سَرِيعُ الْحِسَابِ» به نقل روایاتی می‌پردازد که بیانگر نوع نگرش برخی از اعراب جاهلی در مواقف حج، به‌ویژه در مشعرالحرام است. بر اساس این نقل‌ها، آنان هنگام وقوف در این مکان مقدس، دست به دعا برمی‌داشتند و درخواست‌هایی صرفاً دنیوی از قبیل شتر، گوسفند، باران، روزی فراوان و پیروزی بر دشمنان مطرح می‌کردند؛ بی‌آن‌که به امور آخرت و سعادت معنوی توجهی داشته باشند (سیوطی ۱۴۰۴ ق: ۲۳۳/۱).

این دعا‌های مادی‌گرایانه نشانه‌ای از ضعف معرفتی و غفلت از مقاصد بلند مناسب حج تلقی شده‌اند. در همین زمینه، به‌عنوان پاسخ تربیتی و اصلاحی، آیات فوق نازل شد تا نگرشی جامع‌نگر را در دعا تقویت و مؤمنان را به طلب خیر دنیا و آخرت همزمان ترغیب کند. بدین‌روی، آموزه‌های قرآنی نه‌تنها به اصلاح اعتقادات و رفتارها می‌پردازند، بلکه حتی به تصحیح ساختار دعای انسانی توجه ویژه دارند و تعادل میان مادیت و معنویت را جزو ارکان تربیت الهی می‌دانند.

سیوطی در ادامه، ذیل آیه شریفه «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»، با استناد به روایات متعدد از منابع حدیثی مانند بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی و بیهقی، به رویدادی تاریخی اشاره می‌کند که ناظر به توصیه عملی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه کیفیت دعا است. بر اساس این روایت، حضرت رسول، هنگام عبادت از یکی از صحابه بیمار، از او پرسید آیا از خداوند چیزی درخواست کرده‌ای؟ آن صحابی پاسخ داد: از خدا خواستم اگر در پیشگاه او گناهکارم، در همین دنیا مرا عذاب کند؛ زیرا طاقت عذاب آخرت را ندارم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شگفتی پاسخ داد: «سبحان الله! دعای نادرستی کرده‌ای. شایسته بود که همان‌گونه که قرآن تعلیم داده، دعا می‌کردی و می‌گفتی: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً...». آن‌گاه پیامبر برای شفای او دعا کرد و خداوند سلامتی‌اش را بازگرداند (سیوطی ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۳۳). سیوطی به نقل از عبدالله بن سائب گزارش می‌دهد که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده‌است که حضرت در فاصله میان رکن یمانی و حجر الأسود، این دعا را مکرر زمزمه می‌فرمود: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (سیوطی ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۳۳). همو به نقل از ترمذی روایتی را آورده‌است که انس گفت: مردی نزد رسول خدا آمد و عرضه داشت یا رسول الله کدام دعا افضل است؟ حضرت فرمود از خدا عفو و عافیت در دنیا و آخرت طلب نما. سپس فردا آمد و گفت کدام دعا افضل است؟ پیامبر فرمود از خداوند عفو و عافیت در دین و دنیا و آخرت طلب نما. سپس پیامبر فرمود اگر خداوند دعایت را اجابت کند به تحقیق رستگار شده‌ای. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۳۴). همو در روایتی دیگر آورده‌است که هر گاه خداوند در دنیا و آخرت به فردی حسنه دهد به تحقیق به او همه خیر را داده‌است (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۳۳). روایات مذکور بر تنوع و گستردگی مفاهیم «حَسَنَةً» دلالت دارند و از منظری تربیتی و معرفتی نشان می‌دهند که چگونه این واژه در سنت اسلامی فراتر از یک معنای لغوی، حامل ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و عبادی است.

تحلیل تطبیقی مفهوم اجتماعی «حَسَنَه» در تفاسیر فریقین با ... / سیدرضادولابی ۷۱

۳-۹. «حسنة» در تفسیر ابن کثیر: جمع همه خیر و هر مطلوب دنیوی و

دوری از هرگونه شری

تفسیر قرآن‌العظیم، تألیف عمادالدین اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی مفسر، محدث و مورخ شافعی قرن هشتم است که حاوی روایات بسیاری از صحابه پیامبر است و ضمن تفسیر نقلی آیات، در موارد بسیاری از داشته‌های ادبی خود نیز بهره گرفته است و این موضوع موجب بهره‌گیری از تفسیر فوق در این مقاله شده است.

ابن کثیر در تفسیر این دعای قرآنی به نقل از مفسرین مصادیق مختلفی برای واژه «حَسَنَه» در دنیا و آخرت ذکر کرده است. همو ابتدا نظر خود را چنین آورده که «خداوند در این آیه کسانی که دنیا و آخرت را می‌طلبند، مدح نموده است و خواسته مؤمنین در این آیه، جمع همه خیر در دنیا و دوری از هرگونه شری است» (ابن کثیر ۱۴۱۹ ق: ۴۱۷/۱). سپس، در تفسیر واژه «حسنة» با استفاده از نظرات مفسرین می‌نویسد: «حسنة در دنیا شامل هر مطلوب دنیوی است اعم از عافیت، فراخ و راحتی در خانه، همسر نیکو، رزق واسع، علم نافع، عمل صالح، مرکب راهوار و ستایش نیکو که منافاتی بین نظرات آنها وجود ندارد و اما حسنة در آخرت، دخول در بهشت، امنیت و دورشدن از هول قیامت و آسانی حساب است» (ابن کثیر ۱۴۱۹ ق: ۴۱۷/۱). مفسر در ادامه تبیین آیه، بر این نکته تأکید می‌ورزد که رهایی از عذاب آخرت، مستلزم تحقق مقدمات و عوامل آن در حیات دنیوی است. این تحقق از راه التزام به سلوک تقوایی شکل می‌گیرد؛ از جمله اجتناب از ارتکاب محرمات و گناهان و نیز پرهیز از امور مشکوک و شبهات شرعی که ممکن است انسان را به ورطه مخالفت الهی سوق دهد. همو آورده است: «نجات از آتش در آخرت مقتضی آن است که اسباب آن در

دنیا فراهم شود، اعم از اجتناب از محارم و گناه و ترک شبهات و حرام» (همان). بنابراین، رعایت مرزهای شریعت در زندگی فردی، زمینه‌ساز امنیت معنوی در آخرت تلقی می‌شود و این‌گونه، مفهوم دعای «وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» را از سطح زبانی به سطح عملی و رفتاری ارتقاء می‌بخشد.

۳-۱۰. تحلیل روایی مصادیق «حَسَنَه» در تفسیر ابن کثیر: از شاخصه‌های وجودی مؤمن در دنیا تا رهایی از عذاب اخروی

ابن کثیر در اثر تفسیری خود تفسیر القرآن العظیم (ج ۱، ص ۴۱۷)، ذیل این آیه با استناد به روایت قاسم بن عبدالرحمن، به تبیین مصادیق معنایی واژه «حَسَنَه» پرداخته و آن را در دو حوزه دنیا و آخرت به شرح زیر تفکیک کرده است: حَسَنَه در دنیا: برخوردار از قلب شاکر، زبان ذاکر و جسم صابر که همگی بیانگر سلوک ایمانی، رضایت‌مندی معنوی و پایداری در راه حق هستند. حَسَنَه در آخرت: مصداق‌هایی آن، نجات از عذاب آتش و ورود به حیات جاودان الهی معرفی شده است. همو در ادامه، بر اهتمام سنت نبوی نسبت به این دعا تأکید می‌ورزد. وی به نقل از صحیح بخاری (کتاب الدعوات، باب ۵۵)، انس بن مالک گزارش کرده که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌وآله بر تکرار این دعا در مناسک عبادی مداومت داشت.

نگارنده بر این باور است که علامه طباطبایی (ره) با ارائه تقریری عقلی و فلسفی از معنا، سطوح و مراتب «حسنه»، جامع‌ترین و دقیق‌ترین تفسیر را از این واژه ارائه کرده است. این تفسیر، ضمن تبیین جایگاه رفیع «رضای الهی» در نظام ارزشی اسلام، بر پیوستگی و هم‌افزایی ابعاد دنیوی و اخروی در مسیر کمال انسانی تأکید می‌ورزد.

۴. تمایزات دیدگاه مفسران

تمایز دیدگاه مفسران	دیدگاه مفسر	نام مفسر، مذهب، قرن	روش و رویکرد تفسیری
<p><u>رضوان الهی</u> علامه طباطبایی در <i>المیزان</i> «حَسَنَه» را فراتر از مصادیق دنیوی و حتی نعمت‌های اخروی می‌داند و آن را نهایتاً به رضوان و قرب الهی تفسیر می‌کند. تمایز او در این است که همه خیرات دنیا و آخرت را مقدمه‌ای برای وصول به رضای خدا می‌بیند؛ بدین‌سان، دستاورد علمی نگاه او تبدیل «حَسَنَه» به غایت ایمان و کمال انسان است، نه صرفاً بهره‌مندی از نعمت‌ها.</p>	<p>از دیدگاه علامه طباطبایی «حَسَنَه» در قرآن، مفهومی چندساحتی است که از نیکی‌های دنیوی تا سعادت اخروی را دربر می‌گیرد، اما غایت نهایی آن رضوان الهی است. بدین‌روی، دنیا نه مقصد، بلکه وسیله‌ای برای تعالی انسان و پیوند او با عدالت و رضوان الهی است و رضوان الهی عالی‌ترین مرتبه پذیرش الهی و حقیقت رستگاری است که تنها در سایه عبودیت آگاهانه و حضور فعال انسان در عرصه اجتماعی_ مبتنی بر توحید، عدالت، جهاد، انفاق و صبر_ تحقق می‌یابد. بدین‌سان، تحلیل علامه طباطبایی نشان می‌دهد که فهم عمیق «حَسَنَه» می‌تواند هم پیوند معرفتی میان دنیا و آخرت را آشکار و هم ظرفیت‌های اجتماعی آن را در ارتقای اخلاق جمعی و مسئولیت‌پذیری دینی برجسته کند.</p>	<p>محمدحسین طباطبایی شیعه قرن ۱۴</p>	<p>قرآن به قرآن عقلی - اجتماعی</p>

تمايز دیدگاه مفسران	دیدگاه مفسر	نام مفسر، مذهب، قرن	روش و رویکرد تفسیری
<p><u>ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی</u></p> <p>تمايز طبرسی در تفسیر «حَسَنَه» تأکید بر جنبه عملی و اخلاقی آن است؛ او برخلاف دیگران، این مفهوم را نتیجه عمل نیک در دنیا می‌داند و «حَسَنَه» را چهارچوبی برای سامان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی و پیوند میان دنیا و آخرت می‌داند.</p>	<p>از دیدگاه طبرسی در مجمع‌البیان، «حَسَنَه» مفهومی گسترده و چندبُعدی است که هم نعمت‌های دنیوی و هم رستگاری اخروی را دربرمی‌گیرد و بیش از هر چیز، بر جنبه‌های عملی و اخلاقی زندگی انسان تأکید دارد. او با استناد به روایات، مصادیق متنوعی چون قلبی شاکر، زبانی ذاکر و همسری مؤمن و هم‌ساز را نمونه‌های «حَسَنَه» معرفی می‌کند و بدین‌سان نشان می‌دهد که این واژه در ادبیات تفسیری اسلامی ابعاد مادی، معنوی، اخلاقی و خانوادگی را به‌طور هم‌زمان پوشش می‌دهد. در نتیجه، «حَسَنَه» در نگاه طبرسی چهارچوبی جامع برای سامان‌دهی زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان است که دنیا و آخرت را به هم پیوند می‌زند.</p>	<p>فضل بن حسن طبرسی</p>	
<p><u>تمرکز بر نکره‌بودن واژه حسنه</u></p> <p>نکته تمايز آلوسی در تفسیر</p>	<p>از دیدگاه آلوسی در روح‌المعانی، «حَسَنَه» مفهومی جامع و مطلق</p>	<p>محمود بن عبدالله آلوسی</p>	<p>عقلی - اجتهادی</p>

تحلیل تطبیقی مفهوم اجتماعی «حَسَنَه» در تفاسیر فریقین با ... / سیدرضادولایی ۷۵

تمايز دیدگاه مفسران	دیدگاه مفسر	نام مفسر، مذهب، قرن	روش و رویکرد تفسیری
<p>«حَسَنَه» آن است که برخلاف دیگر مفسران، تمرکز اصلی او بر نکته نحوی نکره بودن واژه «حَسَنَه» است. آلوسی این نکره بودن را دالّ بر مطلق بودن طلب معنا می‌داند؛ یعنی دعا در آیه هیچ تقيیدی به نوع خاصی از خیر ندارد و همه خیرات و موفقیت در عمل صالح را در دنیا شامل می‌شود. دستاورد ویژه او این است که با این تحلیل ادبی، گستره معنایی «حَسَنَه» را از سطح مصادیق جزئی فراتر می‌برد و آن را به یک مفهوم جامع و مطلق تبدیل می‌کند که هم خیرات دنیوی و هم سعادت اخروی_ به‌ویژه ورود به بهشت و رهایی از هول قیامت_ را دربرمی‌گیرد.</p>	<p>است که هم دنیا و هم آخرت را دربرمی‌گیرد. او با تأکید بر نکره بودن واژه «حَسَنَه» آن را نشانه شمول همه خیرات می‌داند؛ به این معنا که درخواست «حَسَنَه» در آیه محدود به نوع خاصی از خیر نیست، بلکه شامل هرگونه موفقیت در عمل صالح و بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی می‌شود. در تبیین مصداق اخروی، آلوسی به بهشت و رهایی از هول و سختی‌های قیامت اشاره و این دو را برجسته می‌کند. بدین‌سان، نگاه آلوسی «حَسَنَه» را پلی میان خیرات دنیوی و سعادت اخروی معرفی می‌کند که در نهایت به کمال ایمان و آرامش انسان مؤمن منتهی می‌شود.</p>		
<p>گستره معنایی حسنه در روایات نکته تمايز سیوطی در تفسیر «حَسَنَه» آن است که برخلاف دیگر مفسران، او به جای تحلیل</p>	<p>از دیدگاه سیوطی در الدر المنثور، «حَسَنَه» مفهومی گسترده دارد که در روایات با مصادیق متنوعی چون عفو، عافیت در</p>	<p>جلال‌الدین سیوطی</p>	<p>روایی</p>

تمايز دیدگاه مفسران	دیدگاه مفسر	نام مفسر، مذهب، قرن	روش و رویکرد تفسیری
<p>ادبی یا شرط گذاری اخلاقی، دستاورد اصلی اش گردآوری و تنوع بخشی روایات است. سیوطی نشان می دهد که «حَسَنَه» در سنت اسلامی تنها یک مفهوم لغوی نیست، بلکه با روایت های متعدد به عرصه های اخلاقی، اجتماعی و عبادی گسترش یافته است. دستاورد او این است که با جمع آوری اقوال و روایات، تصویری جامع از گستره معنایی «حَسَنَه» ارائه می دهد و بدین وسیله نقش این واژه را به عنوان چهارچوبی تربیتی و معرفتی در سنت تفسیری تثبیت می کند.</p>	<p>دین و دنیا و آخرت و نیز برخورداری از همه خیرات معرفی شده است. او با گردآوری اقوال و نقل های متعدد نشان می دهد که این واژه در سنت تفسیری اسلامی فراتر از یک معنای لغوی ساده، حامل ارزش های اخلاقی، اجتماعی و عبادی است. بدین سان، نگاه سیوطی بر تنوع برداشت ها و گستره معنایی «حَسَنَه» تأکید دارد و آن را به عنوان مفهومی تربیتی و معرفتی مطرح می کند که هم سعادت دنیوی و هم رستگاری اخروی را دربرمی گیرد.</p>		
<p><u>شرط گذاری دنیوی برای تحقق حسنة اخروی است</u></p> <p>نکته ای که ابن کثیر به طور ویژه و متمایز از دیگر مفسران بر آن تأکید دارد، شرط گذاری دنیوی برای تحقق حسنة اخروی است. او با استناد به روایات تصریح می کند</p>	<p>ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم با تکیه بر روایات، «حَسَنَه» را مفهومی جامع می داند که هم مطلوب های دنیوی و هم وعده های اخروی را دربرمی گیرد. او حسنة دنیا را شامل عافیت، رزق گسترده،</p>	<p>عمادالدین اسماعیل بن عمرو بن کثیر دمشقی</p>	

تمایز دیدگاه مفسران	دیدگاه مفسر	نام مفسر، مذهب، قرن	روش و رویکرد تفسیری
<p>که نجات از آتش و دست‌یابی به امنیت آخرت تنها زمانی محقق می‌شود که مقدمات آن در دنیا فراهم شود؛ یعنی اجتناب از محرّمات، ترک گناهان و پرهیز از شبهات شرعی. این نگاه تربیتی - جزایی، که دعای «وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» را از سطح یک درخواست زبانی به دستورالعملی عملی و رفتاری ارتقاء می‌دهد، ویژگی‌ای است که در تفاسیر دیگر به این صراحت و انسجام دیده‌ نمی‌شود و تمایز اصلی این‌کثیر در تفسیر «حَسَنَه» محسوب می‌شود.</p>	<p>همسر نیکو، علم نافع، عمل صالح و آرامش زندگی معرفی می‌کند و حسنه آخرت را دخول در بهشت، امنیت، رهایی از هول قیامت و آسانی حساب می‌داند. این‌کثیر بر جنبه جزایی و وعده‌های اخروی قرآن تأکید می‌کند و با استناد به روایات توضیح می‌دهد که تحقق این سعادت مشروط به مقدمات دنیوی است؛ مقدماتی که در التزام به سلوک تقوایی، اجتناب از محرّمات، ترک گناهان و پرهیز از شبهات شرعی نمود می‌یابد. بدین‌سان، او دعای «وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» را از سطح یک درخواست زبانی فراتر می‌برد و آن را به دستورالعملی عملی و تربیتی تبدیل می‌کند که پیوندی میان حیات دنیوی و امنیت اخروی برقرار می‌سازد و جایگاه «حَسَنَه» را به‌عنوان غایت ایمان و عمل صالح در سنت تفسیری برجسته می‌کند.</p>		

۵. اشتراکات تفسیری در معنای «حسنة»

در مجموع، همه مفسران در تبیین «حسنة» بر جامعیت و شمول آن اتفاق نظر دارند؛ آنان این واژه را هم شامل نعمت‌های دنیوی مانند عافیت، رزق گسترده، همسر نیکو، علم نافع و عمل صالح دانسته‌اند و هم ناظر به سعادت اخروی همچون ورود به بهشت، امنیت، رهایی از هول قیامت و آسانی حساب. نقطه مشترک در نگاه آنان این است که دعای «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» پلی میان زندگی دنیوی و رستگاری اخروی است و «حسنة» فراتر از یک واژه و حامل ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و عبادی است و نقش تربیتی و معرفتی در هدایت مؤمن ایفای کند.

۶. نتیجه

انسان در مسیر زندگی، همواره در پی بهره‌گیری از نعمت‌های مشروع دنیوی برای رسیدن به تعالی معنوی و سعادت اخروی است. از منظر قرآن کریم، این هدف والا تنها با پیوندی عمیق میان بهره‌مندی از دنیا و التزام به شریعت الهی ممکن می‌شود؛ رضایت خداوند، غایت نهایی این سلوک تربیتی و معیار فلاح انسان است. دعا، در این مسیر، نه تنها عبادتی آیینی بلکه کنشی روانی و معنوی است که شخصیت ایمانی را شکل می‌دهد. مفسران قرآن، با رویکردهای گوناگون، واژه «حسنة» را مفهومی جامع دانسته‌اند که شامل خیرات مادی، معنوی، اخلاقی و اخروی می‌شود. طبرسی، آلوسی، سیوطی و ابن‌کنبر با بهره‌گیری از روایات، مصادیقی چون علم نافع، همسر صالح، سلامت، و ورود به بهشت را برشمرده‌اند. علامه طباطبایی، با نگاهی عقلی و اجتماعی «حسنة» را در معنایی فراگیر و متعالی تجلی رضوان الهی می‌داند، مقامی که از همه نعمت‌های بهشتی برتر و حقیقت رستگاری انسان است. در این نگاه، هر خیر مشروع، اگر در مسیر قرب الهی باشد، مصداق «حسنة» و مقصد نهایی آن، رضایت پروردگار است.

کتابنامه

- قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابراهیمی، سمیه و فلاحزاده، عاطفه، (۱۳۹۹ ش)، «آثار حسنات در قرآن»، دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مسند، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، (۱۳۹۹ق)، معجم المقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، دمشقی اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
- الهامی‌نیا، علی‌اصغر، (۱۳۸۵ش)، «رسول‌الله (ص) اسوة حسنة بشری»، مجلة حصون، شماره ۲۲۹، صص ۷۶ تا ۹۷.
- آوسی سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، مصر: لجنة إحياء كتب.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۴۲۴ق)، دلائل الإعجاز، تحقیق سید محمدرشید رضا، بیروت: دارالمعرفة.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۰ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: المکتبه‌العصریة.
- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- راغب‌اصفهانى، حسین بن محمد، (۱۳۷۳ش)، مفردات الفاظ القرآن، مترجم غلامرضا خسروی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، (۱۴۱۸ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تحقیق: عبدالرزاق المهدي. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۸۰ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال دوازدهم، جلد اول، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۴۰۴

دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۷۷ ش)، إرشاد القلوب، مترجم سید عبد الحسین رضائی، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الإسلامية.

سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

_____، (۱۴۲۹ ق)، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت: دارالفکر.

سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸ ش)، نهج البلاغه، مترجم جعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۴۲۲ ق)، تفسیر العیاشی، مصحح هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الإسلامیه.

فقیه ایمانی، سید محمدرضا و شاهرودی، محمدرضا، (۱۴۰۲ ش)، «رابطه تربیت الهی با حیات اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبائی»، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۱۷ تا ۱۴۰.

قرشی بنابی، علی‌اکبر، (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية.

طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰ ش)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مترجم و محقق رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی.

عیوضی، علیرضا و میرزایی، رضا، (۱۴۰۰ ش)، «راهکارهای تربیتی مقابله با مصرف‌گرایی تظاهری بر اساس اسوه‌های حسنة قرآن کریم»، مجله آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره ۱۴، صفحات ۱۰۹ تا ۱۲۶.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية.

تحليل تطبيقي مفهوم اجتماعي «حسنه» در تفاسير فريقيين با ... / سيدرضادولابي ۸۱

متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، (۱۴۳۱ق)، کنز العمال فی سنن و الاقوال، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، مصحح محمد فؤاد عبدالباقی، مصر: دار الحدیث.
موحدی، پارسا، (۱۴۰۲ش)، «تحلیل تربیتی آیات دعوت الگوهای حسنه قرآن به نماز؛ دعوت به نماز بر اساس مبادی آن»، مجله فقه تربیتی، شماره ۴۱، جامعه المصطفی، صص ۲۲۹ تا ۲۵۳.

نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.

Bibliography

- Qur'ān Karīm. (n.d.). Tarjomeh-ye Nāṣer Makārem Shīrāzī [In Persian].
- Ibn Ḥanbal, A. b. Muḥammad. (1412 AH). Musnad [In Arabic]. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Ibn Fāris, Abū al-Ḥusayn Aḥmad b. Fāris b. Zakariyyā. (1399 AH). [Title not provided] [In Arabic]. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Kathīr, Ismā'īl b. 'Umar al-Dimashqī. (1419 AH). Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm (Tafsīr Ibn Kathīr) (ed. Muḥammad Ḥusayn Shams al-Dīn) [In Arabic]. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah; Manšūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn
- Ālūsī, Sayyid Maḥmūd. (1415 AH). Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm (ed. 'Alī 'Abd al-Bārī 'Aṭīyyah) [In Arabic]. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Bukhārī, Muḥammad b. Ismā'īl. (1410 AH). Ṣaḥīḥ al-Bukhārī [In Arabic]. Miṣr: Lajnat Iḥyā' al-Kutub.
- Jurjānī, 'Abd al-Qāhir. (1424 AH). Dalā'il al-I'jāz (ed. Sayyid Muḥammad Rashīd Riḍā) [In Arabic]. Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ḥākim al-Naysābūrī, Muḥammad b. 'Abd Allāh. (1420 AH). Al-Mustadrak 'alā al-Ṣaḥīḥayn [In Arabic]. Beirut: Al-Maktabah al-'Aṣriyyah.
- Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan. (1409 AH). Wasā'il al-Shī'ah ilā Taḥṣīl Masā'il al-Sharī'ah [In Arabic]. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt ('a).

- Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad. (1373 SH). *Mufradāt Alfāz al-Qurʾān* (trans. Gholām-Rezā Khosravī) [In Arabic]. Tehran: Morteżavī Publications.
- Zamakhsharī, Jār Allāh Maḥmūd b. ʿUmar. (1418 AH). *Al-Kashshāf ʿan Ḥaqāʾiq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa-ʿUyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Taʾwīl* (ed. ʿAbd al-Razzāq al-Mahdī) [In Arabic]. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyyah.
- Dīlmī, Ḥasan b. Muḥammad. (1377 SH). *Irshād al-Qulūb* (ed. Sayyid ʿAbd al-Ḥusayn Reżāʾī) [In Arabic]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Suyūṭī, Jalāl al-Dīn. (1404 AH). *Al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Maʾthūr* [In Arabic]. Qom: Kitābkhānah-ye Āyat Allāh Marʾashī Najafī.
- Suyūṭī, Jalāl al-Dīn. (1429 AH). *Al-Jāmiʿ al-Ṣaghīr fī Aḥādīth al-Bashīr al-Nadhīr* [In Arabic]. Beirut: Dār al-Fikr.
- Sayyid Raḍī, Muḥammad b. Ḥusayn. (1378 SH). *Nahj al-Balāghah* (trans. Jaʿfar Shahīdī) [In Arabic]. Tehran: Sherkat-e Enteshārāt-e ʿElmī va Farhangī.
- ʿAyyāshī, Muḥammad b. Masʿūd. (1422 AH). *Tafsīr al-ʿAyyāshī* (ed. Hāshim Rasūlī) [In Arabic]. Tehran: Maktabah al-ʿIlmiyyah al-Islāmiyyah.
- Faqīh Īmānī, Sayyid Muḥammad-Reżā, & Shāharūdī, Muḥammad-Reżā. (1402 SH). *Rābeteh-ye Tarbiyat-e Elāhī bā Ḥayāt-e Ejtemāʾī az Dīdgāh-e ʿAllāmeḥ Ṭabāṭabāʾī*. *Dofasl-nāmeḥ-ye Āmūzeh-hā-ye Tarbiyatī dar Qurʾān va Ḥadīth*, 9(2). [In Persian].
- Qurashī Banābī, ʿAlī-Akbar. (1371 SH). *Qāmūs-e Qurʾān* [In Persian]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Kulaynī, Muḥammad b. Yaʿqūb. (1387 SH). *Al-Kāfi* [In Arabic]. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Ṭabāṭabāʾī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (1374 SH). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurʾān* (trans. Sayyid Muḥammad Bāqir Mūsavī Hamadānī) [In Arabic]. Qom: Daftar-e Enteshārāt-e Islāmī, Jāmiʿeh-ye Modarresīn-e Ḥawzeh-ye ʿIlmiyyah-ye Qom.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan. (1360 SH). *Majmaʿ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurʾān* (ed. Reżā Sotūdeh) [In Arabic]. Tehran: Enteshārāt-e Farāhānī.
- Kulaynī, Muḥammad b. Yaʿqūb. (1407 AH). *Al-Kāfi* (eds. ʿAlī Akbar Ghafārī & Muḥammad Ākhūndī) [In Arabic]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Muttaqī al-Hindī, ʿAlī b. Ḥisām al-Dīn. (1431 AH). *Kanz al-Ummāl fī Sunan wa al-Aqwāl* [In Arabic]. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Taqī. (1403 AH). *Biḥār al-Anwār al-Jāmiʿah li-Durar Akhbār Aʾimmat al-Aṭḥār* (ʿa) [In Arabic]. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī.
- Muslim b. Ḥajjāj. (1412 AH). *Ṣaḥīḥ Muslim* (ed. Muḥammad Fuʾād ʿAbd al-Bāqī) [In Arabic]. Miṣr: Dār al-Ḥadīth.
- Nūrī, Ḥusayn b. Muḥammad Taqī. (1408 AH). *Mustadrak al-Wasāʾil wa Mustanbaṭ al-Masāʾil* [In Arabic]. Beirut: Muʾassasat Āl al-Bayt (ʿa) li-Iḥyāʾ al-Turāth.